

خود را پیش برند

فرانس

کارخانهای بزرگ تفک سازی ملک فرانس در شهر
 این است و در روزنامه فرانس نوشته اند که درین روز
 عملیات آنجا پرکار شده اند و کان دارند که هر چه تفک
 بملک فرانسه لازم باشد بتواند بسیار در اکثر سالها
 سالی بیش از یک میلیون و پنجاه تفک از آنجا بیرون
 ۱۶۱ در هنگام ضرورت و احتیاج سالی صد و پنجاه
 هزار قصبه تفک از آنجا بیرون آورده اند و پیشتر از آن
 هم اگر بخواهند میتوانند بسیارند

چون شهر پاریس پای تحت فرانسه شهرت بسیار
 خوب و بجای عیش اگر اوقات از خارج مردمان بکند
 و دولت مند با آنجا رفته توقف می نمایند خصوصاً در فصل
 اما سال از طوری که در روزنامه بلژیک نوشته بودند کمتری
 از دولت مند از خارج در شهر پاریس توقف داشتند
 و در فصل چکه که رستان بسیاری از شهر پاریس
 بیرون می رفتند هم از اهل خود فرانس که بخانه های که در
 بلوگات داشتند می رفتند هم از اهل خارج که در
 پاریس توقف داشتند

استریه

پیشتر درونکی که سردار کل قشون استریه در ملک ایتالیا
 و حاکم ولایت مزبور با اهل آنجا اعلام کرده است که بعضی
 از مفسدین این ولایت جناب در روغ در میان خلق غش
 کرده اند که سبب اغتشاش در میان خلق بشود و این
 اخبار را که به ضرر کلی نسبت بکند و بجا میرسد از آن جهت
 حکم کرده اند که قشون بحری را ریا و بکنند که هر کس

میشود که بعد ازین هر کس اخبار در روغ غش نماید تنبیه
 خواهد شد

از ویته پای تحت این ملک تاریخ چهارم ماه جمادی
 نوشته اند که اعلیحضرت امیرالطوریستریه بناد است
 که بشهر موینج بیدن نامزد خود که یکی از اقوام پادشاه
 باریه است برود و در بعضی از روزنامه های این ولایت
 می نویسند که عدوسی اعلیحضرت امیرالطوریستریه ماه اربعه
 گذشته در فضل بهار امسال بشود و بعد از عدوسی مدتی خود
 و عروش در عمارت کسب و روغ خواهند ماند و بعد از آن
 بلا مبارزینی که جزو ملک ایتالیا است میروند و مدتی هم
 در شهر وینر توقف خواهند کرد اگر امورات دولتی
 اتفاق نیفتد که مانع این سفر بشود

در ملک لامباردنی کان داشتند که اغتشاش
 بشود از آن جهت نظام قشون استریه را که در آن ولایت
 بودند بسیار سخت میکردند

چون با سال تاریخ ۱۸ ماه فوریه تاریخ فرنگیها در
 بود که شخصی قصد کشتن امیرالطوریستریه را کرده بود اما
 بناد استریه که بیادکاری دشمنان آن روز که پادشاه
 سلامت مانده و استیسی بوجدش ز نسید عبد بکیرند
 معلول کاری شده و دفتر خانه و غیره را ببندند اما در یکی
 روزنامه ها نوشته اند که خود امیرالطوریستریه با این مرعده

و اذن مذا

سایر حکام

در دیپارک حبس حکم پادشاه مشورتی منعقد شده
 حکم شده بود که قشون بحری را ریا و بکنند که هر کس

۱۰۷۳

اقتضای که رویا بدید مملکت بی تدارک نباشد و در بعضی
حصارهای دیگر که قشون ساخورد در میان شان بود قشون را
ریا د میکردند

از مملکت سولیس نوشته اند که در آن ولایت نیز قشون
خود را ریا د میکردند و حاضر و حیامی نمودند و فشنگ

جنگی نیز در آن ولایت ریا د می ساختند ساختن اجزا
این فشنگ جنگی در اکثر ممالک مخفی است و روزی کند

حالی شخصی از اهل مجارده می این است که این اجزا را بهتر از
همه میزند و پول ریا د از اهل سولیس گرفته است که

این فشنگ جنگی بسیار زیاده و شخصی دیگر هم سببی
کرده است بجهت خراب کردن برج و باستیان که در

جنگ لقب بزیر برج و باستیان میزند و بار و ط در آنجا
کنداشته اند و بار و ط را در میان ظرفی که

از صمغ ساخته است میگذارد که رطوبت نکشد و این
صمغ را در زبان خرنکیها کوه بر که میماند و بعد هر وقت

که میخواهند آتش بزنند با چرخ آتشی و سیم آتش میزنند
و بجهت امتحان این ظرف را که از صمغ ساخته است دو هفته

پرازد بار و ط در میان آب انداختند بعد که آتش زدند
و دیدند که بار و ط آن هیچ رطوبت نکشید بود و طح

ساعتی این ظرف صمغ که بار و ط در میان آن رطوبت
نمی کشد مخفی است و این شخص روزی دید

در تاریخ نهم جمادی الاول مشورتخانه مملکت سولیس
و در خصوص تدارک و محافظت ولایت خود شان در جنگی
که با دولت استریت و آرنه گفتگو میکردند

از شهر برن تاریخ و سیم جمادی الاول نوشته اند که

که یکی از قزاقهای قابل مملکت فرانسه مملکت سولیس می آمد
که سر کرده قشون آن ولایت باشد و میگفتند که دوستی
و یگانگی ما بین دولت فرانسه و دولت سولیس

این روزها سیر قد کمال است
ناپولی

بنابر تاریخ ۸ ربیع الثانی پادشاه ناپولی بسپه پای تخت
آن مملکت که بهین اسم موسوم است داخل شده بود

شش سال پیش ازین در آن ولایت کمال اقتداس ری
داوه بود و از آن وقت تا بحال پادشاه در شهر پای تخت

توقف نیکرد و در عمارتی با صفا که چند فرسخ از شهر دور
توقف داشت اما در زیستان که نشسته و در شهر نور

شده و در عمارت خود اعیان آنجا و ایلچیان دول
مهمانی نموده و کمال اساس و زینت در آن نیافت

برپا نموده بود و مردم از آمدن پادشاه مرنور بسیار
شادمانی میکردند و بیالای با عباد و بالا خانها رفقه بودند

که در وقت عبور پادشاه را تا شام نماند و در هر جا
شهر که گشت میکرد مردم صدای عا کونی پادشاه بلند

و در مملکت ناپولی امنیت تمام بود
روحه

تجهه نظم و محافظت این مملکت که جنگ سوای قشون فرانسه
که در آنجا هستند با پایا بنا داشت که چند هزار نفر قشون دیگر

از قسم صنعت کاران و اصناف بگیرد و بزرگ آنها
باید یکی از خاندانین عمده آن ولایت باشد

پیشگی و بنای شمالی

این دولت با دولت جمهوریه بلژیک که هم سرحدند و عهدنامه

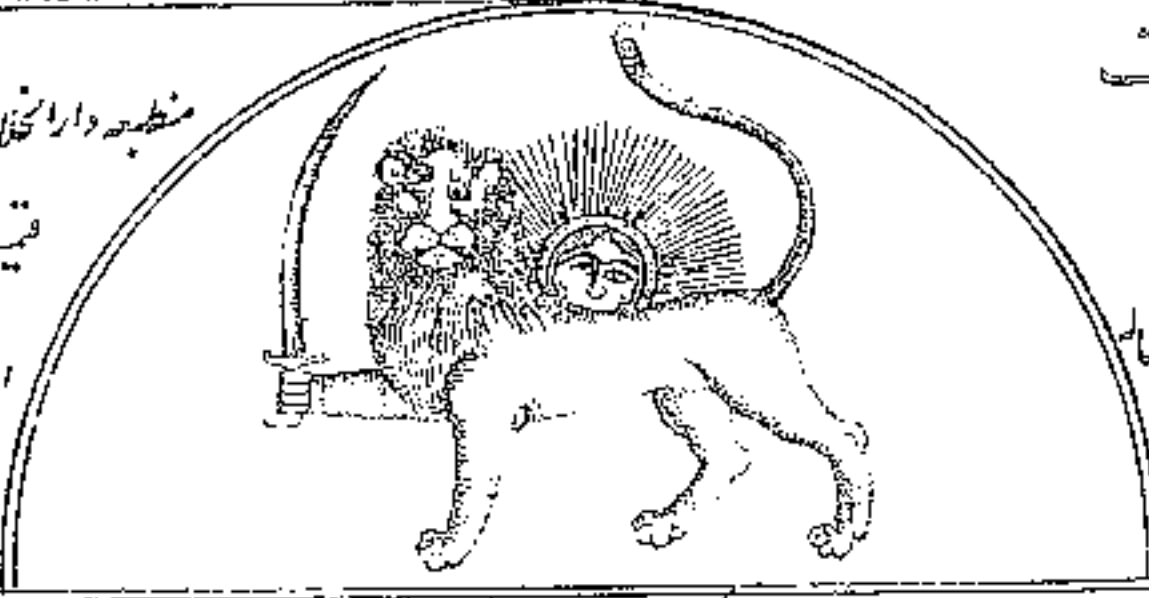
تازه بسته اند و موافق این عهد نامه بسیاری از خاک
 مکتوب دولت جمهوری یونانی و نیای شمالی و اکتار شده است
 و در عرض این مملکت بیت لیان دالار که تخمیناً شازده بود
 بحساب پول ایران باشد دولت سکی نیای شمالی
 به دولت مکتوب دهند و این مملکتی است تا بین مالک ایریکا که
 نزدیک جهر اظنیک است و سمت مغرب آن ولایت که در
 بحر محیط معدل است و راهی است بجهت خلق که از سمت مشرق
 تا مغرب آن ولایت بروند و یک سبب خریدن این مملکت
 این بود که اهل آن مملکت راهی داشته باشند که از
 سرتاسر ولایت تا بین بحرین بروند و بنا دارند در آنجا
 راهی بسازند بجهت تردد عرایه بارکش و اسب کاسک
 و غیره و در سر این عهد نامه گفتگوی زیاد و مشورتها
 آن ولایت شده است و اهل مشورتخانه میخواستند
 کرد که دیوانه دالار بحساب پول آن ولایت باشد بجهت
 بر نورین سبب اینکه اگر چه مملکتی وسیع است لکن تا
 بحال زراعت و آبادی ندارد
 در باب اشخاصی که از نیکی نیای شمالی کلی فارسیای
 خود سرفه نمودند نوشته اند که اشخاص مزبور نوشته
 در آنجا و داعی کرده باشند و دولت اعلام کرده است که
 چنین رفتن خلاف قانون دول بود مسم مورد موافقت
 از دولت خودشان می شوند و مسم اگر بدست اهل
 بیفتد بایشان از دست کلی خواهد بود
 در تاریخ بیت و یکم ربیع الثانی سن ۱۳۰۳ در شهر نیو بار
 افتاده بود و هماتی که اعیان شهر در آنجا می نشینند که
 نظام ضبط در دست ایشان است سوخته بود و یکی

عقارت عدالت خانه بود و چند عمارت دیگر هم
 سوخته بود
 وزیر مختار روس مقیم و آشین تن پایی تحت دولت
 شمالی فوت شده بود هفتاد و سه سال داشت و شازده
 بود که وزیر مختار بود و یکی دیگر شاهی
 در بعضی روزنامه های یونانی نیای شمالی نوشته اند که
 سنت آنا بزرگ دولت جمهوری این مملکت ادعای پادشاهی
 در آنجا میکند و بعضی از خلق راضی باین بودند که پادشاهی
 پادشاهی در آنجا برقرار شود و اگر این قرار در آنجا
 داده بشود لقب پادشاه آنجا امپراطور مکتوب شود
 اعلانات
 کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه چاپ
 عبدالمجید باسچی در محل نزدیک دروازه دولت
 انطباع شده از این قرار فروخته میشود
 تحت نظامی بیت و پنج هزار
 سرایر دو تومان
 زبده المعارف دو تومان
 معراج الساده یک تومان
 حدیقه پیشه هشت هزار
 کتاب شرح کبیر و جلد ششش تومان
 شرح لمحه یک جلد سه تومان
 شرح الزبارة یک جلد دو تومان
 تفریح پانزده هزار
 فردوسی چهار تومان و نیم

۱۰۷۵

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه یوم نهم شهریور ۱۲۷۰

روز صد و شصت و شصت
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شاهی کیسه
و دو تومان چهار هزار



منظومه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات یک مظهر
الی چهار مظهر یک هزار و پنجاه
شتر باشد هر مظهری یک مظهر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه گذشته اوج قاهره نظام
موقوف دارالخلافه مبارکه حسب الامر هایون در
خارج شهر نزد یک میدان اسب دوانی نسبت اکبر
ترتیب مشق حکم مخلوطه و توپچی و سواره نظام و
سرباز فوج و دسته دسته میبایست مشق کرده
اعلیحضرت پادشاهی میان افواج قاهره نظام
و توپچی و سرباز و سواره آغاز شلیک و پورش
و ساز جنگ مفت نکر نموده کمال جلدی و چابکی
در حرکت و شلیک بعل آوردند و مشق آنها با
سختن و مقبول خاطر بود که از افتاده از انتظام و ارکی
و حرکات آنها تقریباً توصیف فرمودند و بعد از
تمام شدن مشق افواج قاهره و بذل انعام طوکانه دربار
انها مرکب هایون مبارکه که سلطانی و مقدر
سلطنت عظمی مرتبت نمودند
چنانچه هر ساله رسم و قانون این دولت عالیست
که چند روز از عید سلطانی گذشته که او این مبارک است

اعلیحضرت پادشاهی میدان اسب دوانی مشق فرمایند
کردیده در حضور مبارکه اسب دوانی می شود درین
سال نیز از اسبهای اعلیحضرت پادشاهی خندس
اسب که بجهت اسب دوانی معین شده بسوفان گذاشته
و سایر انامی دولت علیه و خواجه عظام نیز هر یک یک
اسب و دو اسب بسوفان گذاشته بودند در روز شنبه
بیستم اینها اسبهای مزبور را در میدان اسب دوانی حاضر
کرده و مرکب هایون به بیرون شهر تشریف بردند و
معمول شلیک زنبورک و راول حرکت و میان راه
و در دو بعبارت میدان اسب دوانی گردیده و با کمال
زیقت و هاس اهل سلام و صاحب مضبان نظام در
حضور مبارکه حاضر شدند و سواره نظام و افواج قاهره
صف نظامی کشیده و عودم خلق دارالخلافه مبارکه که از حضور
و کبر جسم بجهت زیارت وجود هایون و قسم بجهت
اسب دوانی دور تا دور میدان مزبور که قریب پنجاه
مسافت است جمع گردیدند و حسب الامر هایون بیرق

۱۰۷۶

و پول انعام کیسے کیسے برسی کہ پیش پایہ کدشت
و بیان قاصدہ کہ پیش معمول و متداول بود اسبہا
پیش آمد انعام و مرسومی کہ مقرر بود در حق آنها
کردید

لواستطاب شایسته و الامتبار حمت الدولہ کہ از
لاذریہ باسجان آمدہ بودند در روز بخشد کہ حکمت
بود شرفیاب حضور ہائون کردیدہ مورد نوازش
و مرحمت ملوکانہ شدہ مبلغ دولت تو ان جسم
انعام سربازان پیکس حضور مبارک اعلا حضرت
مورد نظر ہائون برفع قبول استجنان یا

چون حاجی بچہ خان کہ از قدیمی خدمتداران این
علیہ بود درین روز ہفتہ نظر سجدات الیورجا
باز نازکان او بعد از رسیدن مجلس فاسخ او عالیجاہ
فریدون آقا سپہاوار کہ در دربار ہائون بود انحصار
مبارک و مورد قوازش و عنایت ملوکانہ ساجد
پیشہ منہی سراقازہ و خلعت آفتاب طلعت بادشاہی
فرمودند کہ بامیدہاری مشغول منگداری باشند

عالیجاہ علیستغنی خان سرتیب فوج فرمانیہ کہ با فوج خود
بر کاتب ہائون آمدہ بود بخدمت امامت مشارالہ در
خروج و خدمات صحفیات کرمان درین روز ہا مورد عنایت
ملوکانہ کردیدہ یک قطہ نشان از مرتبہ اول ہیر پسی
حمایں سرخ در حق او مرحمت کردید

سایر ولایات

لاذریہ باسجان لاذریہ کہ در روز نامہ این ولایت
نوشتا در شب سیزدہم شہر حیب المرجب کہ روز

مولود جناب ولایت مانت بود امیر الامراء العظام
سردار کل پر جب حکم ہائون عبد بزرگ قرار داد نہینہ
لوازم جشن و شادی و اسباب چہر افغان پر دست
روز بروز را بطور خوب عبد گرفتہ اندہ و لازمہ شیلک

شادمانی را بھل آورده اند
برو چہرہ و عربستان

لاذریہ کہ در روز نامہ این ولایت نوشتہ اند در ایام
برد العجز کہ چند روز قبل از عید سلطانی بود بخلاف انقضای
فضل بر شہید آمدہ و سہری سخت کردہ بودہ اسبہا
قدری از زراعت دانت سیما خورہ اسبازہ بود

دیگر نوشتہ بودند کہ از اول میزان تا این اوقات بعضی
ناخوشیہای منمنہ از قبیل باد سرخ و قویچ و حاکما
غش و مطبوعہ و سحر و حرمیان خلق بود و این امراض
بعضی از شاہ میرزا پیر ناس تلف شدہ بودند و کون
از آنکہ در آن چند روز نزدیک عید ہوار آمدہ و گندہ
باریدہ بود از فراغت تحصیل طبعا تخفیف کلی درین امراض

مازندران

در روز نامہ این ولایت نوشتہ اند کہ فرمان ہائون کہ
بخدمت مولود جناب ولایت مانت با فقار نواب ہرادہ
بتا مصطفی قلی سرزادگان مازندران شرف صدور یافتہ
وزمان مبارک رازبارت و جناب حاجی ملا محمد علی بختیاری
در بالای منبر مضمون از اکوشش زو خاص و عام الی
ولایت کردہ کمال شکر گذاریدہ بھل آورده اند و در روز سیزدہم
محل الی آنجا عید گرفتہ و انظار مسرت و شادمانی بسیار نمودہ

۱۰۷۷

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند عالیجناب است
خان که در حدود زمان نوشتن مشغول حفظ و حراست آن حد است
در صورت محال است تمام دار و نواب عمادالدوله حکمران کرمانشاهان
قرار دادند که هر وقت قافله از آنجا عبور میکند عالیجناب است
خان سوار و سربازها را آنجا کرده آنها را بدون اسب بگذرانند
که در عرض راه از قطاع الطريق دست بروی آنها نرسد از قرار
نوشته بودند این اوقات شخصی از رعایای دولت علیه عثمانی
چند بار تبتا کو سمره خود داشته بخایشن میرفته است در قیام
تقریرین و خانیقین که مشهور قبله سبزی میباشند همیشه مقام
اشرا و سارفتین است یک سببه اسباب تجارتمی که خیرهای آنجا
داشته می افتد قراولان سرباز ابوبکرمی عالیجناب است خان
می پسندد در همانجا بقاعده نظام قراول میشوند که شاید صاحب
پیدا شود و کسی را قدرت آن نبوده است که مال از جای خود
حرکت بدد شخص صاحب مال در نزدیکی خانیقین حسبر میشود که سبزه
تجارتی او منقود شده مراجهت قبله سبزی میکند می چند که درین
اقاوه در اطراف او قراول ایستاده محافظت مینمایند سبزه خود
بر داشته با کمال خرمی و امنی شود

۱۰۷۸

قدما شده اند

از قراریکه نوشته بودند فوج مجربان قراکوز ابوبکرمی عالیجناب است
سرمهک با نهایت سلوک رفتار مینماید و هر روز در میدان حاضر
مشق میشوند و تا دوس ساعت از روز گذشته مشق می نمایند
از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند در ایام برد العجز سوار
انچه در بجهت می سرده شده بود که در اغلب جا نامی آنجا که گریه بوده
و هرگز برف ندیده بود در پشتل حقیص و شهر با بک بطوری هوای سرد
و برف آمده است که جمع درختهای میوه آنجا را خشک کرده است
امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار محض ملاحظه این آفتی که با آنجا
تحقیق با مالی آنجا داده آنها را امیدوار ساخته بود

خراسان

از قسمه اریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند طرق و شوارع
هر یک از ولایات متعلقه با آنجا کمال نظم دارد خصوصاً این اوقات که
نواب مستطاب شاهزاده والاتباع سمره مانفرا و مقرب آنجا قراول
نظام با آنچه در قراول از اموریت ایشان هر یک از منازل نظم گرفته
و مردم بکمال آسایش مقرون بوده اند از قراریکه نوشته بودند خانیقین
بنواب مخزنی ایله عرض کرده بود که دیروز از طلبه ضاله ترکانه چند
آمده یک نفر ساربان را با هفت شتر برده اند نوار سفری ایله بخراند
بر این کیفیت عالیجناب مطلب خان سر کرده سوار نظام را خواسته
حکم کرده بودند شترها و ساربان را از تو میخوایم باید بر جا هست
گرفته پاوری مشارالیه هم سوار شده با چند نفر از سواران خود
ترکانهان رفته بود و در نزدیکی محال جرده با آنها رسیده و عوای خوبی
با آنها کرده بود چهار نفر ترکان را با چهار اسب گرفته بود و ترکان
از آنها پس گرفته آورده بصاحبش و نموده بود و نشان نواب سبزی

کرمان

انالیجا مظفرالدوله سردار سلطانعلی خان نیز این اوقات از کرمان

اجمار و اول خارجه

انجلس در روزنامه لندن بتاریخ اول جمادی الثانی نوشته اند که عیبا حضرت پادشاه بناد ششدر نیم ماه فرمود از لندن بعبارت خود که در کنار دریاست و از بوزن مینا بروند و چند وقت در آنجا توقف نمایند و چون که بنادارند قشون بحری انجلس و فرانسه را در آن نزدیکی جمع نمایند کمان دارند که مستقیم پادشاه بعبارت کنار دریای مجت است که قشون بحری ولتین انجلس و فرانسه را ملاحظه و تماشا نماید

فرانسه

در روزنامه پاریس مای شت این مملکت نوشته اند پادشاه پورتو قال که فوت شد دست شوهرش و زنا میخواست مملکت فرانسه پاید و پیشش نیز که پادشاه مملکت فریورست همراهِ دست و میکشد که بخت پیشش دخر پادشاه و بلیترانامه فرستاد که چونکه پیر پادشاه پورتو قال صغیرست و سنوز کبر نشد است موافق قاعده آنولایت پدرش مملکت داری حکمرانی آنولایت برقرارست تا پیش بخدر شد برسد

سایر ممالک فرنگستان

در مملکت اسپانیول اغتشاش بود بسبب آنکه بعضی از اهل آنجا رضامندی از وزرای آن مملکت نداشتند و بنای بلخی گری خود سری میکند اشتند در بعضی بلوکات هم بریم خوردگی مین قشون پادشاه و یاعیان شده بود و لکن در هر جایی قشون پادشاه غالب آمد و از یاعیان بسیاری گرفته و مجوس کرده بودند اما در خود پای شت بریم خوردگی نشده بود

در بسندرات مملکت انجلس غله رو به تنزل بود بسبب این که غله زیاد از خارج با آنجا آورده بودند و در لندن بعضی شهرهای دیگر هم خندان قیمت مان را گستر کرده بودند از سایر شهرها است عزیمی فرنگستان که درین روزها غله در آنجا با تری داشتند و بسیار زیاد آوردن غله تنزل کرده بود و تجارت کمان نداشتند که دوباره ترقی نماید بسبب اینکه خبر داشتند که از ممالک بعید غله زیاد بشهرهای غربی فرنگستان می آورند عیاسپس پادشاه حکمران مملکت مصر تا چند وقت پیرون فرستاد و غله را غنای کرده بود بعد خودش مجبه عیار رفته و حساب کل غله مملکت مصر را نموده بود و دیده بود که غله از مصر بدون این که ضرر آن ولایت بخورد و مستوان پیرون فرستاد از آنجست عرض تجارت را قبول کرده بود و قدغن که بحسب خارج برودن غله کرده بود شکسته و از آن دانند سابق غله نجیح برستند و این هم بسبب تنزل قیمت غله در شهرهای فرنگستان است

۱۰۷۹

بخلاف اگر ممالک فرنگستان دولت مان قشون خود را کمر میزدند و در بعضی حصار مان که قشون اشتند قشون را از آنجا بر میزدند دولت بلژو دولت پروسیس که هم سرحد دولت مانند میباشند درین خصوص بدولت مان شکوه و بازخواست دارند پادشاه پیدمانت بخت کشودن راه این مملکت ز نو رفته بود و چونکه مدتی بود که پادشاه فریور با آنجا نیامده بود اهل آن اطراف از آمدن پادشاه کمال شرح و شادمانی داشتند و کوچهای شهر را از آنجا با عجز میکرد و با و نختن مغل و پارچهای گرانها را رایش تمام داده بودند و شبها نیز شهر را چراغان کرده بودند

در شهر یکدیگر در مملکت انجلس ناخوشی و با برور کرده بود در این است بسیار کتر شده بود و امید داشتند که بالمره رفع بشود

تعمیر اجناس دارالخلافه طهران

۱۰۰۱	حزنا چهارمین دو هزار و شصیدینار	برنج غنبربو چهارمین دو هزار و شصیدینار
۱۰۰۲	قدارسی یکمین پنج هزار و پانصد	برنج رسی چهارمین یک هزار و نهصد و نود و پنج
۱۰۰۳	قد بزدی یکمین چهار هزار و چهارصد	برنج آکوله چهارمین سه هزار و شصیدینار
۱۰۰۴	بنات یکمین سه هزار و چهارصد	گوشت یکمین شش عباسی
۱۰۰۵	شکر یکمین سه هزار	نان یکمین هفتاد و پنج
۱۰۰۶	آب لیمو چهارمین شش هزار	کندم و رامینی یکم خرد هفتاد هزار
۱۰۰۷	آب نارنج یکمین سه هزار	کندم غریب یکم خرد بیت و یکم
۱۰۰۸	کشت چهارمین یک هزار و شصیدینار	کندم دور شهر یکم خرد نوزده هزار
۱۰۰۹	کشت چهارمین شش عباسی	یکم خرد ده ریال
۱۰۰۱۰	پیر مشور چهارمین چهارم	یکم خرد چهار هزار و ده
۱۰۰۱۱	تباکوی شیرازی چهارمین چهار هزار	یکم خرد شش هزار
۱۰۰۱۲	تباکوی وسط چهارمین شش هزار	یکم خرد پنج هزار
۱۰۰۱۳	کرچک یکم خرد سه تومان و چهارم	یکم خرد دو تومان و ده ریال
۱۰۰۱۴	روغن تخم مرغ چهارمین چهار هزار	یکم خرد دو هزار و سیصد
۱۰۰۱۵	پسته چهارمین شش هزار	یکم خرد چهارمین شش عباسی
۱۰۰۱۶	شع یکمین دو هزار و چهارصد	یکم خرد چهارمین شش عباسی
۱۰۰۱۷	روغن منداب چهارمین شش هزار	یکم خرد چهارمین یک هزار و سیصد
۱۰۰۱۸	هل یکمین شانزده هزار	یکم خرد چهارمین دو هزار
۱۰۰۱۹	سیکاب یکمین دو هزار	یکم خرد چهارمین سه هزار
۱۰۰۲۰	واچینی یکمین شش هزار	یکم خرد چهارمین شش عباسی
۱۰۰۲۱	فلفل یکمین سه هزار	یکم خرد چهارمین یک هزار و سیصد
۱۰۰۲۲	زعفران ده سیر دو تومان و چهارم	یکم خرد چهارمین دو هزار
۱۰۰۲۳	حلایات یکمین چهار هزار	یکم خرد چهارمین شش عباسی
۱۰۰۲۴	پسته چوب چهارمین شش هزار	یکم خرد چهارمین یک هزار و سیصد
۱۰۰۲۵	پسته وسط چهارمین چهار هزار	

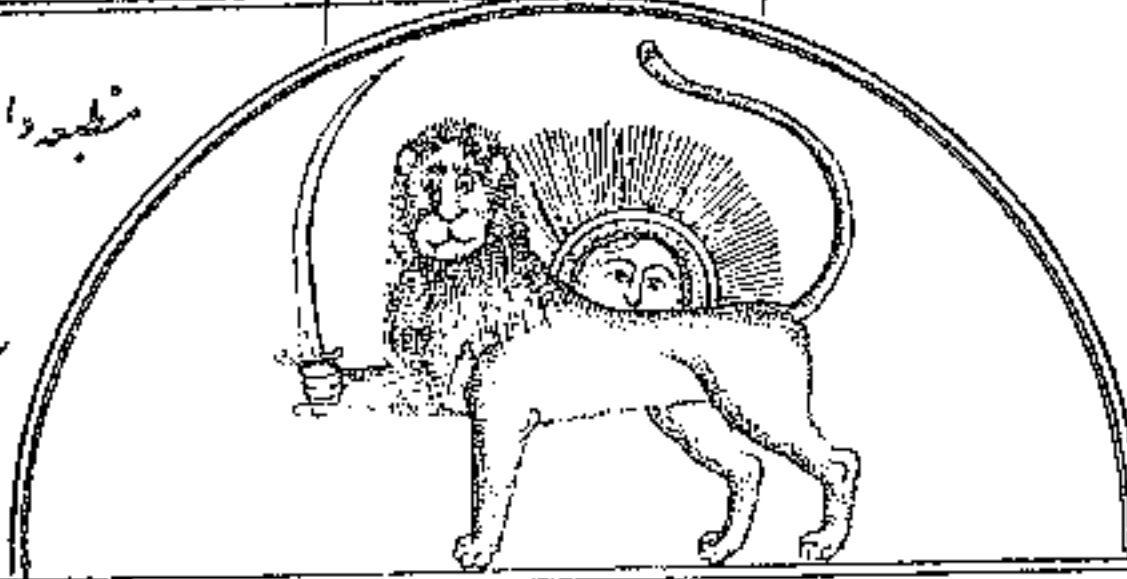
۱۰۰	خمسه نظامی بیست و چهار	۱۰۶	چهار من هفت هزار	مقرسته
۱۰۰	سرایر دو تومان	۱۰۷	چهار من یازده هزار و ده شاهی	منقر بادام
۱۰۰	زبدۃ المعارف دو تومان	۱۰۸	چهار من پنجاه	فندق
۱۰۰	معراج المعاده یک تومان	۱۰۹	یک قطعه ده شاهی	مرغ
۱۰۰	حدیقه اشبه هشت هزار	۱۱۰	یک قطعه پنجاهی	جوجه
۱۰۰	شرح کبیر دو جلد شش تومان	۱۱۱	دوازده بیضه یک عباسی	تخم مرغ
۱۰۰	شرح لمعه یک جلد سه تومان	۱۱۲	یک اس سه هزار و ده شاهی	بیره
۱۰۰	شرح الزیاره یک جلد دو تومان	۱۱۳	یک عدد سصد و بیار	ماهی
۱۰۰	تصحیح پانزده هزار	۱۱۴	صد عدد سه هزار	نارنج
۱۰۰	شاهنامه چهار تومان و نیم	۱۱۵	چهار من یک هزار و ده شاهی	سکره
		۱۱۶	چهار من هشت عباسی	آب غوره
		۱۱۷	یک من یک هزار و بیار	ترشی آلات
		۱۱۸	یک خوار شش هزار	یونجه خشک
		۱۱۹	یک خوار پانزده هزار	خلر
		۱۲۰	دو تومان و شش هزار	آرد کسندم
		۱۲۱	یک خوار شانزده هزار	آرد جوی
		۱۲۲	یک رو آنکه دو ریال	چاقی
		۱۲۳	یک من سه هزار	سرکنکین
		۱۲۴	چهار من هشت هزار	خرمای خارک
		۱۲۵	چهار من هشت هزار	تخم کدو
		۱۲۶	چهار من نه هزار و ده شاهی	روغن

اعلانات

کتابهای چاپی و اصلاحی طهران که در کارخانه چاپ
 عبدالمجید باسپه چی در محله نژاد یک دروازه دو باب
 الطباع شده از این قرار نوشته میشود

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوم پنجشنبه و ختم ماه حبه مطابق سال ما بس ۱۲۷۰

نزد صد و شصت و نه
قیمت روزنامه
یک نسخه شایسته
و نان و چهار هزار



منطقه دار اختلاف طهران
قیمت اعلانات
یک سطر اجاره سطر هفتاد
بیشتر با هر سطر

اخبار و اخبار ممالک محروسه پادشاهی

عالیجاه عیبه اخوان العظام حسنی خان افشار شریف
خاصه علیحضرت پادشاهی حسب الاشارة العظمی
بالبلاغ فلاح عبیدی نواب مستطاب هزاره و الالباب
و ما نفرمای مکتب حران و مقرب انخافان میرزا فضل
وزیر نظام و میکار خراسان و سایر حکام و صاحبان
مستوفین آنجاست و چند روز دیگر عازم محل امور میگردند

دار اختلاف طهران
در روز پنجشنبه گذشته علیحضرت پادشاهی بقرم
و تفریح شیرانات که در این اوقات فصل صفا و تفریح
آنجا است سوار شده و تا در بند و آن صفحات برفت
و ناگردیدند و تا حوالی عصر در آن اطراف بفرج مشغول
بودند و نزدیک غروب آفتاب بارک مبارک سلطان
معاودت فرمودند

چون مراتب قابلیت عالیجاه محمد حسین خان پسر مقرب انخافان
علیخان سر تپ فراگوزلو مشهور نظر مهر ارضه و انی گردیده
این اوقات مشارالیه را منصب سر منسکی فرج فراگوزلو
و یکطرفه شال کرمانی بر رسم حلف با امرت فرمودند

چون توقیر و اعزاز و احترام علمای اعلام سواره اوقات
منظور خاطر اقدس هالیون علیحضرت پادشاهی است
لهذا در روز شنبه گذشته بدین جناب میرزا ابوالقاسم
اکام جمعه و جماعت دار اختلاف طهران تشریف فرما گردید
و جناب معزنی الیه را مورد تهنیت است بلوکانه فرمودند
و از آنجا بدین جناب شیخ رضا و بناب شیخ عبدالحسین
تشریف فرما گردید و آنرا نیز مشغول عرافت بلوکانه فرمودند

عالیجاه عمده اخوان محمد حیر خان نقی باشی را این اوقات
امسای دولت علیه حسب انام هالیون بحکومت نمانده
مردند و این روز با بعل ناموریت خود در دانه می شود

در روز دوشنبه گذشته نیز مکتب هالیون بقرم تفریح
کشت اطراف دار اختلاف و بیرون شهر تشریف فرما گردیدند
و حوالی عصر بارک مبارک معاودت فرمودند

در همین عالیجاه میرزا ششم خان را که سابقا بحکومت نمانده
سرافراز بود در این اوقات بحکومت سر تپ گردید و ناموریت فرمودند

مظفر کلا خط مراتب لیاقت و شایستگی حسن یک برادر علی
میرزا علی اکبر خان سرنگ قورخانه که سابقا منصب سلطان
داشت و ظهور خدمات عالیجا پشار الیه این اوقات
حسب الامه منصب یاور قورخانه مبارکه سرافراز گردید

سایر ولایات

از ولایت کجک این ولایت در تاریخ قدما اخباری
از سر راه

از تاریخ قدما در این ولایت در تاریخ قدما اخباری
شاهزاده والا به تملک طبعی میسر از آنکه این نازندران
در امتداد امیران و گور و نسبت و انجام فرستاد و یونانی
تمام دارند و از حسن مراقبت نواب معزتی الیه کمال
و انولایت حاصل است و عموم کانه آنجا در نهایت
استواری و امیدواری اجواطیف این دولت علیه مشغول
رعیتی و کار و کسب خود میباشند و نواب معزتی

در جزئی و کلی امور انولایت رسیدگی کامل دارد
یک مرتبه از آنکه کشتانی که از جانب سیسی ایجا است
بنو استعمیری الیه محبت شده بود و دیگر در تجدید و زراعت
محمی با بنجار سیده و نواب معزتی الیه لوانتم استقبال و توفیر حرام
بصل آوردن نشان فروردین بیکر افتخار خود نموده اند

عراق

از قرار یک انساوه نوشته بودند سن درین اوقات در
بروز کرده بود و لکن نوشته بودند از نقصان حساب باری تعالی
در آنجا پادشاه است بعد چهار پتجر اقطعه که از کبوتر بزرگ است و کوش
سفید پامای بند دارد و در زیر کلویش چیزی مانند خرطوم است چون فرود
وقتی که زراعت را میبینند بر روی آب میریزد و در آنوقت این مرغها

بسیار آب میریزند و این سنا که در روی آب بوده فرو برده و در خرطوم خود
جمع کرده میریزد و جای و خارج از زراعت و بر زمین تخته میوه میزند
هر که امیر کرده بوده اند می کشند و بر می کشند با این طبع و حسن سناوه
تلفظ تمام کرده از آنجا تقریقا اند لکن از قرار یک در آنوقت نوشته بودند بعد از
رفتن این مرغها بفرموده و باره در زمین پراکنده و امید دارند که کشتا

مرغها اگر در آنجا میباشند ایند فیه کجی بلیه حسن را از آنجا مروج
سناوه

بسیار از آنکه در این نام سناوه میباشند و حسن ایجا
منصب بقره کشته است و عقاید است باقی این دولت بیاد
در بر قرار اختیار فرموده و مشور دولت بقره و بقره کشته
بقره فساد آورده با فتح و شیر و رمی در بندر عباس کشته
بکشته سناوه قایقها کشته و آنچه قسم از عیب و تجار بندر عباس
بود چیزی اگر که چنان سیده سجزیره قسم و بزرگ در میان دریا
رشته اگر چه آن بزرگ سناوه خاک این دولت متعلق باین دولت

لکن با طبعان اینکه این دولت آن بخانه اسباب عریضه
در آنجا دارد و با بزرگ سناوه سناوه سناوه سناوه سناوه
برای خود مانع قرار داده اند کشته ها که با تجارتی تجارین
از قمیتی بندر بوشهر و بندر عباس می آورند چون باید اند
با این آن دو جزیره بگذرد در آنجا جلود گیری کرده میریزد
از او جزیره قسم خالی کرده سفاین و بغداد را نگاه
میدارند و اموال تجار را محسوس و متحرک سازند و در روی
در بابای اغتشاش و بی نظمی کشته اند اولیای این
دولت البته متحمل این حرکات ناانجاری نخواهند
و قرار می خواهند نمود

کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از ششم بلخ که پارسا
 در آن ولایت افتاده بود امسال بلخ فراوان درآمده و بحاصل
 ضرر کلی میرساند امیرالامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران
 یزد و کرمان قدغن کرده است که در هر جا مشغول کشتن این بلخها
 که هستوز به پرواز نیامده اند باشد و در اغلب بلوکات آنجا
 نوشته اند که روزی سیصد من و چهارصد من بلخ کشته میشود
 و دو نفر توپچی هم برای آوردن آب سار فرستاده اند و تقصیل
 این آب سار بطور مستقیم از چشمه مشهور که در بلوکات فارس است
 آب بر میدارند و بجز ولایتی که بلخ افتاده باشد می برند و سار فراوان
 در عقب آن آب پروازی آیند تا آن ولایت میرسند و هر چه بلخ در آنجا
 باشد می کشند و دعوی این سار با بلخ نیز تاشائی نیست

و دیگر از قراریکه نوشته بودند عالیجاه موسی خان قاجار درین وقت
 قلعه دزک و ووه قلعه دیگر از بلوچستان را که خاک این ولایت
 چندمی بود که اطاعت نمیکردند بلکه آن صفحها ترا بخت تاخت و تاز
 از جماعت بلوچها ظاهر میشد منقوشش کرده بودند تصرف آورده
 از جمله در قلعه سرابستان خبک خوبی نمود و قشون با موره کمال
 رشاد و تراجیل آورده اند و درین پورشش پنج نفر از قشون موز
 کشته شده و بقدری نفرات تنگینان که در قلعه بودند قتل رسیده
 و قلعه مزبور حسیباً و قهرماً تصرف قشون پادشاهی درآمده چنانکه
 خان و دوسه نفر دیگر دستگیر گردیده اند و عالیجاه امیر علم خان از جانب
 اولیای دولت قاهره تحفیظ قلعه جات و نظم امورات آنجا امر
 کرده است

از قراریکه نوشته اند در این اوقات امیرشالانی در کرمان پسرار
 کرده است و امیرالامراء العظام سردار در تشریف شالانی بنام در خوبی گمان

استقام تمام دارد و اغلبی که شاههای سنسکین خوب باقی اند انعام
 و خلعت داده و آلان شاههای جنوب را این ولایت باقیه میشود که در
 بدویت تومان شاههای سنسکین از اقلیت مینمایند و بطوری خوب
 میافند که کمتری از شاههای کشمیری فرق میتوان نمود و در ولایت
 بخت خوب باقی شال کرمانی خرید و فروش شال کشمیری نموده است

مرور

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند ساهای سابق
 بوده است که حکام بخت تدارک عید نوروز و زوجی از جماعت این
 و کسبه بازار میکشند امسال مقرب انخاقان محمد یوسف خان پسر
 و نایب الحکومه یزد و حسب الحکم امیرالامراء العظام سردار قدغن کرده است
 که ویناری از اصناف مطالبه نشود و این مرحله سبب مزید عاقل
 اصناف و کسبه آنجا کرده است

اصفهان

در روزنامه این ولایت نوشته بودند که در ایام برد العجور در این
 سرمای سخت کرده هوا بسیار سرد شده و در بعضی جاها درختهای میوه
 خشک شده است و بخت همین آفت جمعی از انالی آنجا پدید آمده
 آمد اظهار پشیمانی خود را میکردند

خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب
 و الایاتبار سیدیهون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان سیزده
 که وارسته بودند سه روز در آنجا توقف کرده اند و روز حرکت
 از شبند دارتق با انخاقان وزیر نظام سفارش کرده بودند که
 از راه بالارقه معدن میند و زج را سرکشی نمایند و خود از راه
 دیگر تشریف بردند و مقرب انخاقان مشارالیه هم در معدن
 سرکشی کرده نظم و رستی را امر آنجا داده بودند

بروجرد و عثمان

دو روز نوشته اند که دزدی سرقت که در بروجرد سابقا زیاد میشد
 و این اوقات از اتهامات نواب مستطاب شاهزاده و البته
 احشام الدوله و مراقبت و رسیدگی نواب جلال الدین میرزا
 نایب الحکومه سپاسگرم اتفاق می افتد که دزدی بشود و اگر بر
 سپیل ندرت از جانی سرقتی شده باشد دزد را پیدا و اموال
 سر و قد بصاحبش رود و دزد پشیمه و سیاست میشود از جمله در
 عیند از خانه آقا علی نام بقدر پانزده تومان اسباب سرقت شد
 بود صبح آن شب بمقام شخص برآمده و زور پدید آمد و شخصی
 کلیا کافی بود اسباب سر و قد بطلان و بعضی اسباب که در
 ایام ناخوشی از خانه های دیگر سرقت کرده بود از او استرداد
 بصاحبانش تسلیم شده و دزد فرور آید و حبس

و یک نوشته بودند که عبدالعزیز خان نایب بختیاری اسد الله خان
 نایب جالوق را نواب نایب الحکومه بروجرد خواسته و این
 در بروجرد بچالوق و بختیاری فرستاده شد که در عمل مشارالیهما با
 رعایا رسیدگی و تحقیق نماید اگر با حسن سلوک با رعایا رفتار کرده
 باشد در سال جدید نیز بر سر شغل و عمل خود منصوب شوند و
 اگر بر رعایا احجاف و زیادتی کرده باشند از منزل

و یک نوشته بودند که چون اجارات بروجرد سیلا خور که بیست
 شهرت با عا لنجاه نور محمد خان فرزند شاهی بود و مشارالیه
 کثرت مشغله با نظام امور اجارات نمیتوانست رسیدگی نماید
 و اغلب اصناف پسر شغل و کسب خود را خلع بکار میگردانیدند
 و شغال در کار آنها برسیده بود نواب نایب الحکومه در این اوقات
 میرزا خدایار محمد خان را که مدتی کامل و کاروان بود و کجا تر ضامن
 قرار داده و مشارالیه را از اجالات نظام داده است

و یک نوشته بودند که در اول تابستان گذشته محمد علی یک غلام
 سفارشخانه بحکم امنای دولت علیه محصل و مامور بود که محمد قلی خان
 و عبدالعلی خان اینگونه که خانم چاچا پز دولت بمیه انگلیس انظر
 نهادند در میان اهل خزل برهنه کرده بودند گرفته بدربار همایون
 پاورند نواب احشام الدوله شماره ای را بنزد نواب ایلیدرم میرزا
 فرستاده بود به اکثر چون آن و نفر سارق در میان بودند و
 کسان آنجا در مقام انکار برآمده بودند که چاچا فرزند بر طایفه خزل
 برهنه کرده اند نواب ایلیدرم میرزا ایت است و اسباب و
 از خود داده و چاچا را حاجت کرده بود در این اوقات حکم مجدداً
 امنای دولت علیه شده بود که همان زود نار نواب ایلیدرم میرزا
 باید حکم بدست آورده بدربار همایون روانه نماید نواب مغزی
 محض استمال حکم امنای دولت علیه از کر میر سبت سیلاق که نزد
 برهین و مکان زوان فرزند بود حرکت و با چار صد نفر سوار
 کرده شش منزل آورد و شب طی نموده و قشکه سیر آنها رسیده بود
 آنجا نیز قبل از وقت خبردار بوده با جمعیتی از کسان همداستان خود
 در جای محکمی از کودمان گرفته بودند و بجهت سختی راههای آنجا از چار
 سوار شتر از سی چهل نفر همراه نواب مغزی ایلیه بودند باقی در عصب
 هنوز رسیدند بودند نواب مغزی ایلیه عطل رسیدن سوار نشده با آنها
 جمعیت قلیل بر سر آنها تاخت آورده از طرفین بستند و او نیز مشغول
 و سه چار نفر از آنها مقتول و از جمعیت نواب مغزی ایلیه
 نیز بیست راس اسب بر تیر آمده و چند نفر زخم دار شده بالاخره
 مامورین غلبه و آن و نفر سبب افسوسگرم نموده و آن از خرم
 محسوس اند تا حکم او بیای و نت علیه برقرار که صادر شود

معمول دارند

۱۰۸۵

و بجه مرتبه آسانتر و زودتر و تسهیل شود

سولیس

در خلقت بزرگ که یکی از بلوکات سولیس است تاریخ نوزدهم
 ربیع الاول نوشته اند که زلزله سخت شده بود چنانچه بعضی
 مردم که در سر با استاده بودند بر زمین افتادند و در ولایت
 اندلس مملکت اسپانیول نیز زلزله شده بود و چند خانه افتاد
 بود و تاریخ سیزدهم ماه منور و یک کارن قدیم هم که
 بسیار مستحکم و کار آن ایام بود که مسلمانان از طایفه عرب در
 این ولایت سلطت میکردند از زلزله افتاده و خراب گردید
 و در بعضی کوچهها نیز زمین شکافت شد و چهار نفر
 در زیر خاک و در زیر خرابی خانهها مانده بودند و همگی آنها
 از زیر خاک در آورده شده بودند مگر یک ختری زمین
 چند بار حرکت کرد با صدای مهیب مانند رعد حاکم آن است
 خواش کرده است که خواهی چیه قدر که درین زلزله متضرر شده

منظور داشته باشند

پلر

شخصی از اهل این مملکت درین روزها فوت شده است
 و میگردد می بود از همه اهل آن ولایت و لیسند و از آن که
 حساب کرده اند بعد از وفاتش چهل طیمان یا پنجاه طیمان
 فرانک پول آن ولایت که تخمیناً است که در ریاضه کرده و پول
 ایران باشد و چه افند و ملک داشت و بابل شهر است
 طرزنی و آت و لوله پولهای زیاد وصیت کرده است
 که در راه احسان بفقرا و مساکین و از باب استخوان
 مصرف نمایند یا در ساختن بیمارخانه و سایر اعمال خیر

خرج نمایند

دولت استریه درین اوقات قشون خود را در سرحدات
 جنوب آن ولایت زیاد می کنند و تا بحال چهل هزار نفر
 در آنجا با تدایکات لازم جمع کرده اند و روز بروز قشون
 آن اطراف را زیاد می کنند

اسپانیول

در باب جنگی که مابین یاغیان آن ولایت و قشون پادشاه
 انجام شده است در روزنامه در دین طور نوشته اند که
 در جنگی که نزدیک شهر سمره کشته شده بود صد و پنجاه
 نفر از یاغیان کشته و زخمی شده بودند اما اهل شهر
 بکار یاغیان مدخلیت نداشتند یاغیان بعد از جنگ
 تاب مقاومت بناوردند که رنجته و متفرق شدند و
 پادشاه اسپانیول بی عقب آنها رفته اند و کمان و
 که اکثر یاغیان را دستگیر نمایند و چون این اقتشاش
 نزدیک سرحد فرانسه اتفاق افتاده است بسیار
 سعی و کوشش می کنند که نگذارند از آن سرحد عبور
 نمایند

پسنگی و نیای شمالی

شخصی که در پسنگی چرخ بجهت و قشون رخوت و غیره اختراع کرده
 بلسانی که بتماشای چرخ منور رفته بودند مذکور است
 بود که با دبان یک کشتی بزرگ که بیست و چهار هزار
 کرباس داشت با این سباب چرخ در شش روز و دو
 شد که بحساب بر آورد کار هزار و دویست نفر خیاط بود اگر
 میخواستند بیست بدوزند و ازین حساب معلوم می شود
 که دو قشون رخوت و غیره با چرخ منور بجهت تفاوت می کنند

۱۸۷

حصن

از قراریکه در روزنامه نامگان حسن نوشته اند شهر شنگیان که مدتی در دست یاعیان بود و قشون پادشاه او را محاصره کرده بود و بسیار خراب شده است تا پنج ماه پس از اول قشون پادشاه که در وقت این شهر بودند هم از سمت دریا و هم از خشکی حمله بشهر آوردند و لکن قشون یاعیان شکست خوردند و کشتی جنگی که در آنجا داشتند جزا شد قشون پادشاه چونکه دیدند که شهر فرور میستوان گرفت خود را عقب کشیدند و لکن بسیاری از خانهها که در پیرون قلعه بودند به آتش زدند و خرابی زیاد بجهت این جنگ در آن شهر شده است و بخار و کسبه بسیار متضرر گردیده اند لکن فرانسه که در سرحد چین بود بشهر شنگیان رفته بود بدین بزرگ یاعیان که با یک سبب رفتن لکن فرانسه بشهر شنگیان اینست که بزرگ یاعیان را بپند و بهمان عهدنامه که دولت فرانسه با پادشاه چین ارتداد او خواش نماید که او هم همان طور شده است و یک فقره ازین عهدنامه این بود که بسبب این بچکس اذیت نکنند از قشون شمالی یاعیان خبر دهند که در پایتخت بود و شهری گرفته بودند که جای عبور غلبه بجهت پایتخت بود و اگر تو استند آنجا را نگاه بدارند شهر پایتخت بی آذوقه میماند خود خاقان چین در سر قشون آمد و بود چون نفر هساره داشت که بجنگ یاعیان می آورد سمت کانتان بعضی از رستهای جنوب مملکت چین نظیر شتر از سابق بود بجهت آنکه اگر قشون که در آنجا بود بهت شمال که پایتخت باشد رفته بودند کشتیهای جنگی روس نزدیک بشهر شنگیان بود و لکن نباد استند که سبت پان بروند کشتی جنگی شنگیان شمالی که پارسال از آنولایت سبت پان روانه شده بود در نامگان بود و معطل جواب کاغذ بود مذک دولت جمهوری

نیکی دنیای شمالی بکمران مملکت بیان نوشته بود
احوال مشرق

در روزنامه مملکت پلر نوشته اند که در ساختن ذغال ازغال سنگی درین وزا اسپانی اشراع کرده اند که بسیار مهتر و زر از سابق تمام میشود ساختن ذغال ازغال سنگی این طور است که ذغال سنگی را در میان یک بزرگ آهن تبرکپ اینتو میریزند و زیر یک آتش میکنند ذغال سنگی بعد از آنکه گرم شد آب سرد و دو دو سپردن میرود بعد از آنکه دو دو سپردن رفت او را خنک مینمایند و باره بسته میشود و آنکه میماند بسیار سبک و رست و خوب میوزد و بخار و دود ندارد بجهت کارخانهها که چرخ بخار دارند در میان شهر کشتی بخار که در رودخانهها که از شهرهای بزرگ میکرد مانند پاریس و لندن غیره قدغن است که این قسم ذغال مصرف کنند که از دود و بخار ذغال سنگی نخلق اذیت نرساند هوای شهر را را بد نماید ازین جهت این طور ذغال سنگی در چین شهرهای فرنگستان بسیار مصرف میشود

در مملکت پلر سابقا قدغن بود که ذغال سنگی بی لکه که داخل آن ولایت نشود و این قدغن بجهت این بود که کار معدن چیان در پلر خوب پیش برود حال این قدغن را برداشته اند و ذغال سنگی از ولایت انگلیس با نجامی آرند

تجهه آنکه در مملکت انگلیس از زانو و آذوقه است
در بزرگ و سیز پایتخت پلر شهرت داشت که پادشاه پلر منجوست بود بدین امپراطور استریم برود و کمان هشتاد که سفر پادشاه فرور بجهت این باشد که قرار اصلاحی در مورت فرنگستان به در مملکت ریور نیز یونگی نیای جنوبی یک غلام سیاه یک لباس جنه است که دو سبت و پنجاه قیراط وزن دارد و این لباس را

بجای رداوه اند و بلندن فرستاده اند و سپاه صافست و بی
رویت و هشتاد هزار پونده که بحباب پول ایران تخمینا یک کرد
صد و چهل هزار تومان میشود قیمت کرده اند و غلامی که الماس
پیدا کرد دست او را از او کردند

وزن و یکی شهر تراک در معدنی معدنچیان معدن تازه می کنند
بجبت در آوردن غالی سنگی سنگ سخت رسیده اند و او را
سوراخ کرده و روشند بالای غالی سنگی یک رک از کهر با
جستند و کهر با می زرد بود و خوب و پارچهای او را در آوردند
که بعضی نزد یک به نیم من زن داشت چونکه در آن سمت مملکت
بسته معدن کهر با نیست کمان دارند که معدن مزبور در
آنجا زیاد منفعت بخند

در مملکت کرمانه که یکی از بلوکات مملکت اسپانیول میباشد
در قصبها و همشهرهای اطراف دریا ناخوشی بروز کرده مانند
وبا که دو ثلث از کسانیکه این ناخوشی میکنند میسرند و بکن
مردم آنجا میگویند که این ناخوشی از خوردن بای صدف
بهم میرسد که در آن اطراف بجبت همینکه کنار دریاست مردم
ازین بای صدف زیاد بخورند

مشهورست میان عوام در فرنگستان که موشها از خانه که
ببخورند که خراب شود و بپند یا از کشتی که میخواهد غرق شود خود
بخورد و در این روزها این مرحله بطور غریب امتحان شده
بود کشتی بود در لسنکر کا که بار میگرفت یک روز مانده که
بدریا میدانند اهل کشتی دیدند که موشها بلبه از کشتی بریده
شده است با اینکه پیش از آن هر روز موش بسیار در کشتی
مشاهده میکردند تا آن وقتیکه کشتی براد افادی عیب و بی
نقص بود و سه روز دیگر در میان دریای کرمانه

در هندوستان تخته ناز چوب صندل بریده اند و ازین تخته
چهار تخته بلندن آورده اند که طول هر یک شش ذرع و یک
و عرض هر یک یک ذرع و نیم چسب می آید و قطر شش چهار کرد
نیم از درختی بریده اند که در کوهستان هندستان

اعلانات

در تبریز فروخته میشود در کار و انترای مرحوم میرزا آقایی خان در حجره
جعفر خان پیک

و و خرج بجبت بالا کشیدن آب از رودخانهها یا از چاهها که در
پن بالا کشیدن آب از چاه یا رودخانه برنج یا کندم می گوید و خرج
زور و مناسب دارو

چند عدد کتان آهن بجبت زراعت

خرج بجبت کاشتن تخم
تخم پنبه سنگی دنیا سیاه و سرخ و چهره و سفید

هر کس خریدار این اسباب باشد از جعفر خان پیک مزبور بپای

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید باهمی
در محله نزد یک دروازه دولاب انطباع شده ازین قرار فرستاده

- ۱۰۰ — حقه نظامی پست و پنجرار
- ۱۰۰ — سیر دو تومان
- ۱۰۰ — زبده المعارف دو تومان
- ۱۰۰ — معراج السعاده یک تومان
- ۱۰۰ — حدیقه اشعه هشت هزار
- ۲ — شرح کسپر دو جلدشش تومان
- ۱۰۰ — شرح لعه یک جلد سه تومان
- ۱۰۰ — شرح الزیاره یک جلد دو تومان

۱۰۸۹

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحتی و غیره
شماره پنجم
شعبان المعظم بن سال پارس ۱۲۷۰

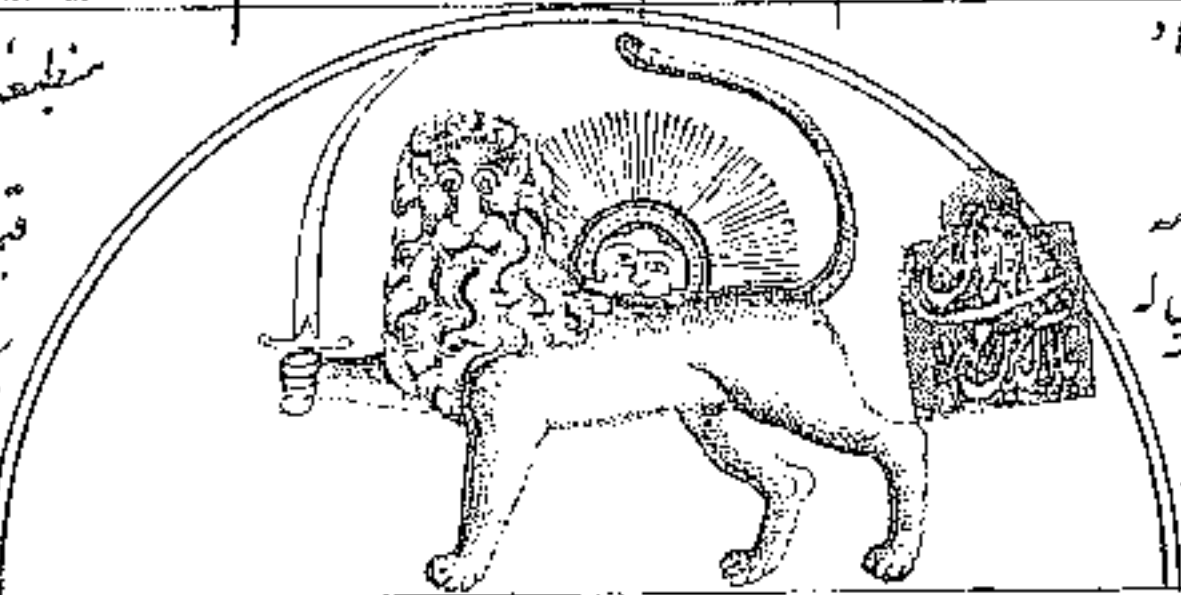
متره صد و هفتاد

منبتعه دار الخلاف طهران

قیمت اعلانات

یکسره اول چهارم یکروزه

بیشتر بهر سطر



قیمت روزنامه

یک نسخه ده روزگی

هفتاد و چهار هزار

اجبار و احکام محروم پادشاهی

دار الخلاف طهران

و اسلحه آنها رسیدگی نموده همگی در کمال شکوه و بزرگی
و آراستگی سان دادند

نظر بانیک محاسن خدمات و اتمامات توابع مستطاب
شاهزاده و الایبار احتشام الدوله خان میرزا در انتظام
امور ریاستان و گریستان و بر و خرد و بختیاری و آن

صفحات در حضور اقدس هایون اعلیحضرت پادشاهی
علوم و مشهور گشته لهذا موازی یک قطعه نشان
هایون مکلل بالماس و ریح و حرمت و نمودند و فرمان
مبارک درین خصوص شرف صد یافت

چون درین اوقات در دروازه و بعضی جایهای بدنه شهر
قدری خرابی در حقه بهم رسیده و راه رتد و بود توابع
مستطاب شاهزاده و الایبار در شیر میرزا حکمران دار الخلاف
طهران و توابع قدغن اکید درین باب نمودند که راه و دروازه
شهر را گرفته و خرابیهای هر جای بدنه و دروازه را که لازم
باشه تعمیر نموده و بدست دروازه بانان و مستحقین بسایه
طهران و توابع قدغن اکید درین باب نمودند که راه و دروازه
شهر را گرفته و خرابیهای هر جای بدنه و دروازه را که لازم
باشه تعمیر نموده و بدست دروازه بانان و مستحقین بسایه

چون عالیجاه میرزا سعید حسن بیضا شریک در انجا

چون عالیجاه میرزا سعید حسن بیضا شریک در انجا

در روز یکشنبه دوم این ماه اعلیحضرت پادشاهی
بهر گشت و تفریح شیرازات سوار شدند و تا نزدیک
عصر تفریح آن ساعات مشغول بودند و حوالی غروب
اقاب مبارک مبارک سلطان رحمت فرمودند

در روز چهارشنبه گذشته نیز نظر به توقیر و احترام علیا
اعلام اعلیحضرت پادشاهی بیدن آنجا تشریف فرما گردیدند
اول بیدن جناب آقا محمد لیسر محرم آقا محمود و از انجا
بخانه جناب شیخ عبدالرحیم و از انجا بخانه جناب حاج میرزا
رفیع کیدانی تشریف فرما گردیده و لوازم توقیر و احترام را
از آنها بعل آوردند و مشمول عواطف و تقدمات طوکار
گردیدند

در روز دوشنبه سیم این ماه جناب جلالت با صد
بجته ملاحظه و سان غلامان حاضر کاب همسایون بیرون
شهر رفتند و مقر لو انخافان کشیکچی باشی و لشکر لویان
و لشکر لویان عظام حاضر بوده در حضور جناب مستطاب
بدست غلامان حاضر کاب همسایون را دیده بودند

۱۹۰

خدمات دیوانی مراقب امتحانات خود را مشهوری اولیای دولت کرده اند درین وقت مبلغ بیست تومان بر موجب سابق او افزوده و فرمان محرابان مبارک در باب اصل و اضافات و مواجبات شایسته صد دریافت

سایر ولایات

از دریا بجان از قزاق که در جزایر تیزر نوشته شده بود او و همکاران مفید پاره شهرها و او را که منافی دوستی دوستی روس است اولیای دولت این خبر را با کلمات خاطر خود مخالف دیدن این را حیف اعتدای ناسن بنای اعتمادی نماید دوستی دوستی در کمال استحکام است البته پیشکار و سایرین باید راضی و متحمل باین اجبار را حیف جعلی شوند

اصفهان

از قزاق که در روزنامه اصفهان نوشته اند غایب چو غافل خان به اصفهان بنه بلوکات او مشخص کرده و ستاده است که در صحنی کوتاهی نشود و مردم آنجا امید داشته اند که در صحنی که کاشتن کند آنها که سبب و امید استن خواری بود و شود از قزاق که نوشته بودند ایچمد شاری استنیت و وعده بیرون آمدن استن گذشته است و مردم پشیمان شده اند که چرا کندی زیاد نکاشته اند

چندی قبل ازین در سوره و مجلس فقیر جناب خامس آل عباسی اموالی از حاجی حسین باجر لبرقت برده بوده ازین اوقات که چو غافل خان در واد استنیت و بعد از تحقیق معلوم کرده بود که سرور باکاشان برده اند از و راهبری یک فقر غلام بوده کاشان نموده کاغذی بجا کاشان نوشته بود بسیار بود آورده بصاحبش در کرده

فارس

از قزاق که در روزنامه این ولایت نوشته اند امیر زاده عبدالیه و رعایاب نواب مؤید الدوله حکمران فارس کمال مراقبت و تمام در خدمات دیوانی دارد و مسووره با مقرب الخاقان حاجی توام مراقب نظم امور ولایت است

دیگر نوشته بودند که در بندر ابوشهر امسال هیچ بارندگی نشده است چون حاصل آنجا از آب یا این آب منخور و بسیار باران غلب حاصل آنجا شکله است و از قزاق که نوشته بودند بر کمر میرات فارس نیز همین حالت را دارد و مردم از این جهت کمال اضطراب را دارند

کاشان

از قزاق که در روزنامه کاشان نوشته بود زشاکرد چا پاری بخت بر کرد و اذن مال چا پاری خانم را بکاشان میبرد است و در نیم فرسنگ دیده بود نقشی در میان صحرا افتاده و تخم بیاری بر او زده اند و او را کرد و لباس لوزی در بردارد چایچاه محمد ابراهیم سخنان حاکم کاشان بعد از اطلاع بر این کیفیت و در نفر فرستاده آن نقوش را بکاشان آورده اند و همچنین چند نفر از ریش سفیدان قهر و در آنجا تحقیق خواسته از آنها تحقیق و از اهل کار و انرا در محله جات چایچاه استفسار کرده بود بعلت تغییر رنگ و آماس احدی او ساخته است چون قدیمی از آن قهر و در جیب او بوده و بعضی فرامین دیگر آنقدر معلوم است است که از شیراز یا اصفهان مراجعت کرده است و کویا چند نفر از هم سرشته است بعلت دشمنی پول یا عداوت او را کشته و لکن محارمیت که مقتول گشت و قاتل که ام مکر است از ولایات در روزنامه اعلامی کنند تا بعد ازین معلوم بشود

۱۰۹۱

بسطام

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در شب عید مولود جناب ولایت آقا میرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام که حسب اقدیس همایون در همه ولایات چراغانی کرده بودند از جمله شخصی چکه و زور بسطام که بصفته امانت و دیانت موصوف بود در شب مزبور بعلت ناخوشی زوجه اش نتوانسته بود بدکان قله چراغ روشن نماید صبح پیش قله دروگانزاکشود و دید بود چراغی دروگان مزبور روشن است و روشنائی او زیادتر از همه چراغها و مشعلهاست بطوری که معلوم میشود که این روشنائی نسبت بروشنایهای دیگر ندارد پدر خود را بخار نمود و چراغ را بفرخان و دکانیک برده بودند خاموش شد بود و هر کار کرده بودند روشنائی شده بود تا باز بهمان مکان که آورده بودند خود بخود مشعل شده بود صاحب دکان بشکر از این سعادت افتاد و عیش از اموال خود بفرادیشیری شربت بردم داده است

عالیجاه مطلب خان سر کرده سواره کورداری بسطامی حسب حکم تعمیر قلعه جات منازل عرض راه را بر او روموده صورت آنرا بستن و نواب مغربی ایبه خدمت او بامی ولت فرستادند و جناب جلالت اجل اکرم صدر اعظم هم این وزنا آدمی بخصوصه با وجه تقدروانه خوانند فرمود که آن قلعه جات عرض راه را تعمیر کرده قنواتشراشقیه نمایند که باعث سهولت امر ترودین شود

همه و چرد

در روزنامه این ولایت نوشته اند که بعد از عید بارانیکه بایست پاید نیامده و مردم زراعت کار و حشامی قدری تشویش خشک داشتند اما گمان بود که در آن وزنا باقتضای فصل بارندگی زیاد شود که مردم از تشویش بیرون آیند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه عبدالمنه خان بختیاریرا که نواب عالی میزانا سپاه حکومت بر وجود خواسته و در جزو امینی محبت تحقیق معام او بارها فرستاده بودند چون معلوم نمودند که مشارالیه نسبت بر عایا مطلقا اجاف و زیاده و قتی نگروه و با کمال سلوک و رفتار با آنها راه رفه است لهذا او را مجددا خلعت داد و به نیابت محال بختیار روانه نمودند

دیگر نوشته بودند که فرمان موقوفی جریمه و ترجمان که از مصدر خلافت شرف صدور یافته بود با بختیار رسیده اگر چه در آن ولایت جریمه و ترجمان معمول نبود ولی صدور این حکم همایون سبب فرید دعا کوئی امانی انجام شده بشکر گذاری دعای ذات اقدس همایون اقدام نمودند

دیگر نوشته بودند که نواب جلال الدین میزانا سپاه حکومت بر وجود در اشطام امر ولایت و انجام خدمات دیوانی لازمه اهتمام را معمول کرد و اگر ببردت زوی خلاف حسابی واقع شود فوراً در مقام رفع آن بر می آید

کمال فراوانی ارزمنت

دیگر نوشته بودند و قاتی که نواب مستطاب شاهزاده و الاخبار فریدون میزرافرا نغمای مملکت خراسان بسطام رسیده بودند

لرستان و عربستان

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب میرزا
ایدرم میرزا در آن کتبخان اردو دارد و چون حکام هر کس
کمال مراقبت و مواظبت را دارند که از ایلات نسبت بیکدیگر
و خلاف حسابی واقع نشده هر یک بسایمان و ملاقات خود
نمایند و بعد از وصول ایلات مزبور به ملاقات خود نواب
معزی الیه بنادارند بجزم آباد بروند

دیگر نوشته بودند که امسال ناخوشی در میان کوسفندان
صفحات افتاده و اغلب کوسفندان آن است
بروج و بختیاری ازین ناخوشی تلف کرده و ضرر
کوسفندان رسیده است

دیگر نوشته بودند که نواب نظام شاهزاده و الاسرار ام
خان میرزا در چهارم ماه رجب از شوشه بزرگول وارد
شده و امورات آنجا را انتظامی کامل داده اند و در هجده
ماه مزبور اراده داشته اند که از آنجا روانه بروج شوند

فوج سیلاخوری ابو اجمعی مغرب انخاقان و لیجان میرزا
که ساخلو محیره بودند در واسط ماه رجب وارد شوشه شدند
و در عرض آنها فوج امرانی لرستانی ابو اجمعی عالیجاه بروج
ماور ساخلوی انجا هستند

فوج زندی ابو اجمعی مغرب انخاقان محمد ادهان میرزا
درین اوقات حسب حکم نواب استیلا حشام الدوله مأمور
خدمت عربستان اند که در نزد نواب بر اسم میرزا
نایب الحکومه در شوشه و بزرگول و حویزه و غیره هر جا که لازم
باشد ساخلو بشوند

دیگر نوشته بودند که امسال بجهت نیامدن باران غله در آن

ولایت تعبیر بهم رسانده است چنانچه در شوشه و حویزه
جو خرواری بدو تومان و پنجاه رو کدم خرواری بسه تومان
رسیده است

اخبار دول خارج

انگلیس از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته است
بنادارند یکی از خوانین عمده و متمبر ولایت انگلیس را با
مملکت استرلیه نمایند بقب غیر کبیر که از جانب علیاحضرت
پادشاه انگلیس و عروسی اعلیحضرت امیرالطور استرلیه که
از دستهای خویش پادشاه بواریه رامیکرد حاضرنا

فرانس

در یکی از روزنامه های این ولایت نوشته اند که حسب حکم
امیرالطور فرانس بعضی از انسانی دولت معین شده بود
که اجلاس نمایند در خصوص کمک مال آنجا که از خارج
می آید کفشکو و مشورت نمایند که بلکه فرانس تحقیق در کمک
آنها بدون اینکه ضرری بدیوان برسد بکنند

از جمله احکامی که درین روزها در پاریس پای تخت این مملکت
شده است یکی این بود که در باب قصابان سابقا
داشتند که هر کس بخواهد قصابی نماید باید از دیوان
داشته باشد و مبلغ معین در دست دیوان انجا بگذارد

برحسب امانت که اگر خلاف حسابی بکند دیوانیان جریدوار
از همان پول امانت بردارند حال این فرانس سابق را مأمور
داشتند و بخواه امانت قصابان را پس میدهند و اذن
که هر کس بخواهد گوشت بفرود شود و چون فرانس قدیم سبب
کران شدن گوشت بود حکم تازه باعث ارزانی گوشت
ورفاه خلق میشود

۱۰۹۴

امپراطور فرانسه بابل شهر و سیلزمینتی که بسیار باصفا
و مشحون با شجر بود بجهت تفریح گاه اهل آنجا که در آنجا
آن شهر نیز بنا دارند که در آنجا حوض و غیره سازند و
از دیاد صفا و زینت و خرمی آنجا پر و احمه تفریح گاهی بجهت
خود قرار بند

و خرابی رسیده بود و پلی که در رودخانه رون که باین
مملکت فرانسه و سیوای میکند و ساخته بودند خراب شده
بود و سبب خرابی پل مزبور این بود که سنگی که در روی او
ساخته بودند فرو رفت فقرات نیز در پای تخت و بعضی نهاد
بزرگ بسیار سختی می کشید اما حال که هو اظلام شده بود
و عله و غیره کاری کنند او ضاعتان قدری بهتر شده بود

شخصی در نزد یکی شهر پارسی بازی غریب در آورده است
تفصیل آن این است که پانصد شصت مثانه کوسفند را از
پر کرده است که بسیار سبک است مانند بخار کشتی هوا
که بلون میمانند و این مثالها را به بدن خود می بندد و
بسیار سبک میشود بطوریکه چهار وزع و پنج وزع جستن
می کند اطراف شهر پارسی را با بی نظیر حبت و خیر طری
کرده و منزل خود رفته بود

مجلسی که در خصوص آرایش شهر پارسی نامورند بنا داشتند
پانزده کوچه از کوچه های تنگ و گمنام شهر مزبور را احزاب
نمایند و در جای شان میدان وسیع بسازند بجهت بازار
بسیاری از بنا های قدیم پارسی را خراب خواهند کرد
ولکن شهر وسیعتر و با کیزه تر خواهد شد

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در این اوقات
ما بین دولسین انگلیس و فرانسه در برابر و بر موافقت
و اتحاد تمام بود

درین مملکت قانونی است که هر کس بخواهد کشتیبان باشد
باید چهار سال بدیوان خدمت نماید حال چونکه دولت
بجهت قشون سحری کشتیبان میخواهند کشتیبانها را بخرند
که هر کس که چهار سال بدیوان خدمت کرده است از
سین بیست و هفتاد و هشتاد و نود و یک باید بیاید و بدیوان خدمت
نمایند بعضی از کشتیبانها که در رودخانه های رورق کوچک است
و صاحب عمال بودند از صد و راین حکم رضامندی ندارند
بجهت اینکه ازین معامله ضرری کردند

از قوت تصدیق اطبا ناخوشی و با که جزئی در شهر پارسی تا این
اوقات بود درین اوقات از آنجا رفع گردیده است و لکن
ناخوشیهای دیگر در آن شهر بسیار بود خصوصاً ناخوشیهای
مسری از قبیل تب حبه و محرقه و مطبقه و آبله نیز در آنجا
بسیار بود

پورتو قال

سختی زمستان گذشته در پارسی ضرر زیاد به بعضی
از عمارات آنجا ساخته است که بعد از آنکه بخی شکسته
است شده بود و دیوارها و غیره بجهت شدت برودت
و رطوبت عیب کرده و افتاده بودند و در بعضی بلوکها
در اجها و عمارات و غیره نیز ازین سختی زمستان ضرر

درین ولایت بجهت کشتیبانها که از هالک و دیگر می آهند کرا
که داشته بودند درین اوقات این کراختین را برداشته
مشروط باینکه سیاح خواه از راه دریایا از راه خشکی بآید
بکراختین بیاید و بنظر اطبای آنجا رسیده معلوم میشود که

۱۹۵

ناخوشی ندارد بعد از آن بدون معطلی که شش بقصد عازم
میشود

پادشاه مملکت پورتو قال که نور مطلق و در صحن مشایخ
و پدشش نیاست او مکنحل امور سلطنت و مملکت داری است
است در این اوقات بنیاد دارد که یکی از بنات اعظام خود
نامزد کرده عروس می نماید

کشتی جنگی دولت انگلیس در رودخانه طا کوس رود بود
شهر لیزبون پای تخت مملکت پورتو قال لشکر آنه خسته بود
اسپانیول

در روزنامه این ولایت نوشته اند که دختر پادشاه
اسپانیول بسیار ناخوش بود و چون که بهین یک ادا
از او مانده بود اگر بمیرد خواهرش باز وارث تاج و تخت
آن مملکت میشود و خواهرش زن دوک ده نورسپر لوی
فلیپ پادشاه سابق و این است

دیپتارک

پادشاه این مملکت حکم کرده است که نه فروند کشتی جنگی
با د بانی حاضر نمایند و ازین نه فروند کشتی آن بر یک
پنجاه عاوده توپ دارد و کشتی دیگر هر یک پست عاوده
و سه کشتی دیگر هر یک شش عاوده توپ دارند و
پنج فروند کشتی بخار نیز که هر یک دو عاوده یا چهار عاوده توپ
دارند و پانزده هزار قشون نیز بنیاد دارند جمع آوری نمایند

سوید و ناروی

در مشورتخانه این مملکت گفتگونی شده بود در خصوص اینکه
پادشاه حکم کرده است که قشون این مملکت را از زبری
و سحری زیاد بکنند و مشورتشان در سمر این بود که آیا لازم

باشد که این اخراجات را بکنند یا نه و خود پادشاه
حکم کرده بود که مشورتخانه جمع بشوند و درین خصوص بنیاتی
بگذارند بعد از مکالمات زیاد قرار دادند که حصارها و
لشکرگاههای کنار مملکت و سایر جاها را تعمیر نمایند و
برتی و سحری را هم حاضر و مهیا کنند

یونکی و نیای شمالی

در روزنامه نیویارک یونکی و نیای شمالی نوشته اند
که در آنجا بعضی مردم جمع می شوند که با مسلمانان
و در قشون دولت عثمانیه خدمت میکنند

در مملکت اوهمیوی یونکی و نیای شمالی در رشتگان کنده
طوفان غرپی شده بود بارعد و برق و تگرگ و بکات
باله خواب کرده بود و چون که آب رودخانهها بالا آمده
بودند سبلا سیم ضرر زیاد رسانده بود و از آنجا که
این طوفان یکدشت بیشتر از فصد ذرع عرض داشت
اما هر چه پیش می آمد خواب میکرد و رختهای قوی را اینچ
می کنند و خانه های محکم را از بنیان می افکنند و چرا
میکرد

بعضی از اهل این مملکت عداوت تمام بعینو بها که از مذنب
کتولیک پاستند دارند و چون که یک کیش بزرگ از
جانب بابا که پیشوای مذنب کتولیک پاستند با اولاد
آمده بود مردم جمع شده چهرتی نسبت با دیگر دند
در یک فصبه که کیش مزبور با بخار فست بود مردم آنجا
جمع شده بودند با موزو کا پنجه بمنزل کیش میرفتند چون
اعیان آنجا کمان داشتند که اشخاص مزبور اراده سحری
نسبت بان کیش داشتند از نظام ضبط در قوا

رو بروی منزل کیشش مزبور جمعی را مامور نموده بودند و در هنگامی که
 این مردم با آنجا رسیدند قراولان بیرون آمدند و بسیار
 از این اشخاص را گرفتند و بقراولخانه بردند مفیدین هم جنگ
 میکردند و از طرفین بر تفنگ خالی می شد و بعضی مردم هم
 زخمی گردیدند و یک سبب عداوت اهل تنکی دنیای
 شمالی با پاپای روم این است که پاپا را نسبت بر عایای
 خودش ظالم میدانند ازین جهت نایب پاپا که تنکی دنیا آمده است
 بجهت میرود اهل اتولایت نسبت باو بخلاف احترام رفیایان
 و مشکل است که دولت تنکی دنیای شمالی اهل اتولایت را
 از این معنی محافظت کیشش مزبور را محافظت نمود بکنند

احوال صمغ

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است مشتاقان
 که نشسته در بعضی ممالک غربی فرنگستان بسیار هوا سخت
 و سرد شده بود خصوصاً در مملکت انگلیس و در آخر ماه ربيع الثانی
 که آب یخبندان می بست در بعضی جایها سیل زیاد آمده بود از
 در روزنامه انگلیس نوشته اند که در قصبه و انگلستریل آمده بود
 بطوریکه آب رودخانه که از آنجا میگذرد در کوچها بیشتر از
 دو دوزخ بالا آمده بود اما کسی درین سیل و طغیان آب تلف
 نشده بود

در مملکت استرالیا سوای معدن طلا که درین سالهای نزدیک
 معدن مس هم در این اوقات تازه پیدا کرده اند و در او نیز کار
 می کنند و خوب منفعت بر میدارند در این روزها یک پاج
 مس از معدن آنجا در آورده اند که رخسوار دوزن او بوده است
 معدن پنجان که در آن معدن مس کار می کنند هر یک نفر در
 ده تومان و یا زود توان اجرت می گیرند

سابقاً در اکثر ممالک فرنگستان بازی لاتاری که قسمی از
 قمار است متداول بود و چون ده یکسان حاید دیوان می
 دیوانیان این وجوه را بجزایه مالیا می شمرند و محافظت میکردند
 در این اوقات چون دیده اند که قاعده قمار بازی در هر
 ممنوع و غیر مشروع است در اکثر جایهای فرنگستان این قاعده
 موقوف کرده اند از جمله در مملکت پرتغال حسب حکم دیوان
 درین روزها موقوف نموده اند

در روزنامه روس نوشته اند که شخصی درین اوقات در شهر
 مسکو فوت شده است که از جمله سالادات بود و صد و بیست
 سال و بیست و هفت روز عمر کرده بود

یکی از روزنامه نویسان شهر پورین که پای تخت مملکت پرتغال است
 جرحی نسبت با پاپا فرانسوا نوشته بود او را بعد از
 شش و چون که تقصیرش ثابت گردید او را حبس و جریمه نمودند
 چونکه در مملکت زیاد و قد ترقی کرده بود از تاریخ اول ربيع الثانی
 فوجن شده بود که بیست و هفت روز از آنجا بیرون نرفتند

اعلامات

کتاب شرح بدن انسان از تألیفات عالیجاه حکیم لولا
 معلم علم طب و جراحی که بزبان فارسی نوشته و چاپ شده است
 و در رسم دارالفنون فروخته میشود هر جلدی سه ریال

۱۰۹۷

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه ۱۷۱ هجری قمری مطابق ۱۲۷۰ شمسی

نزد صد و هفتاد و یک

منظوم در آنخلا و طهران

قیمت اعلانات

یک سطر چهار سطر یکبار
بیشتر باشد بر هر سطر



قیمت روزنامه
یک نسخه یکبار
هفتاد و چهار روز

اخبار هند مالک محروم پادشاهی

و آنخلا و طهران

چون عالیجاه میرزا محمد حسین احکام نویسن نظام در انجام خدمت خود که مرتب صدقت و کفایت خود را مشهور می نماید پس هایدون و ملحوظ نظر اولیای دولت قاهره ساخته و خدمات او در ارسال خاصه و تقدیم و مایثات علمیست و مقبول خاطر ملوکانه افتاده و با قیوم ماطر کار دانی خود را بیشتر در پیشگاه هایدون ظاهر نموده نظر با اعتلای درج او درین اوقات بطاوع منصب محکم نظام لقب نیل دبیر الملکی از فرزان مهران مبارک سرافراز و یک ثوب جبهه ترمه برسم خلعت در حق او رحمت رعایت کردید

در روز شنبه ششم این ماه اعلیحضرت پادشاهی سوار شد بقصر قاجار تشریف فرما گردیدند و در آنجا سان غلامان سرکاری را دیده یکی با اسب خوب و اسلحه و اسب کمال شکوه و آراستگی بنظر اقدس هایدون رسیدند و از آنجا موکب هایدون بکشت و تفریح مست عباس آباد و آن صبحا تشریف برده و تا حوالی عصر آن اطراف راکت و تفریح فرمودند نزدیک غروب آفتاب باز که مبارک سلطانی و ممبر عظمتی اجبت فرمودند

درین روز ناوالده عالیجاه علی خان سیستانی بر کاتب مبارک آمده بود و از سرکار اقدس هایدون محض التفات ملوکانه و در حق عالیجاهان علیخان و ابراهیمخان و دوستی خان سیستانی رحمت فرمودند و فرزان هایدون شرف صد و ریافت فرمودند هم در حق آنها داده شد و بخود مشار الیه نیز خلعت و انعام التفات کردید و مرضی کردید

در روز چهارشنبه پنجم این ماه جناب جلالتاب المرحوم دولت علیه عثمانیه بحضور اقدس هایدون اعلیحضرت پادشاهی شرفیاب شده مورد اشفاق و مرحمت ملوکانه گردید درین ل بعد از عید روز تا بحال نسبت بالهای سابقه و بخشکی گذشته و بار زندگی بسیار کم شده است و هو این نسبت بالهای گذشته قدری کرم گردیده و لکن زراعت کاران امید دارند که درین روز با بقضای فضل بار زندگی بشود

دروغ شانی میر علم خان پسر امیر سداد الله خان امیر قباقر مجرب شد
 با اینکه آنها بحسب جمعیت زیاد بودند و اینها کم دعوی مرد
 کرده و شکست آنها داده است و دویزه سرو چنغ نفر
 و اسب از آنها گرفته سر بارانجا کپای مبارک شاهنشاهی
 بودند و در این خدمت را به یک قبضه شیر کل مرصع
 و نان مهر لجان مینوی بر اظهار رحمت ملوگانه شرف صد و پانصد
 بهر ای فرستادگان را الیه انقاد داشته
 نظر بظهور رحمت ملوگانه در باره عالیجاه آقا اسمعیل شریف
 سلام که مسواره اوقات خاصه در سلامهای عام مرتب
 حسن نیتگذاری او مشهود و ملحوظ پیشگاه حضورهایون گردید
 درین اوقات یک قبضه خنجر دستگیرهای نبت و سربسته
 مرصع بعالیجاه مشارالیه خدمت نمودند

چون عالیجاه و او دخان سرحم اول دولت علیه ایران از
 ابتدای نوکری این دولت الی الان خدمات ممتد مامور شده
 و آثار صداقت از خود اظهار داشته بود در ماموریت سفر
 بطرز بویغ ختم که باقتضای ارادت خدمت کرده و علام
 استداد و قابلیت خود را بدرجه بروز و ظهور رسانید و سیر
 دولت علیه را از رفتار و سلوک خود قرین رضامندی داشت
 لهذا باقتضای رای انور همسایون بمنصب سرتیپی و از دنیا
 مواجیب و اعتلاء منصب مترجمی اول مفتخر و سرفراز گردید و فرمان
 جایون درین باب شرف صد و یافت
 عالیجاه مقرب الخاقان شفیق خان که از جانب دولت علیه ایران
 سفیر مقیم لندن بود درین اوقات بدربارهایون معاودت
 نموده و در روز یکشنبه ۱۹ این ماه که وارد دارالخلافه مبارک گردید
 حسب الامرائی دولت علیه عالیجاهان میرزا عبدالغفار خان

نایب وزارت دول خارجه و چند نفر از نمایان ابودان پاشی
 و صاحب منصبان نظام و غیر نظام از غلام دیر به استقبال
 رفته و لوازم اعزاز و احترام را معمول داشته و او را وارد دار
 نمودند

درین روز ما جعفر نامی که بکرات در دارالخلافه در زوی کرده و در
 که در سرفت گرفته شد بحسب حکم نواب مستطاب پزاده و الا
 ار و شیر میرزا حکمران دارالخلافه طاران و توابع در هر دو وجه
 رسیده بود درین روز ما بازم مجدداً مرکب سرفت شده بود
 مستحقین او را گرفته خدمت نواب معزئی الیه آوردند اگر چه این
 مستوجب سیاست کلی بود و لکن نواب معزئی الیه حسب الامرهایون
 مقرر داشته که یک دست دیگر او را هم قطع کرده و او را بعد از
 اخراج بلد کردند

سایر ولایات

اور با ایچان از قراریکه در ضمن روزنامه این ولایت
 نوشته بودند نواب مستطاب پزاده و الاتبا نصرت الدوله
 نایب الایاله آذربایجان که با اتفاق مقرب الخاقان میرزا صاحب
 قائم مقام از دربارهایون روانه آذربایجان شده بودند در
 عرض راه مقرب الخاقان قائم مقام شش افتاده و در روز
 بیست و نهم ماه حجب وارد خلعت پوشان گردیده و در روز
 سلخ ماه منور امیر الامرا اعظم ام سردار کل را اطلاعات
 نموده و از طرفین لوازم اعزاز و احترام را در حق یکدیگر
 آورده اند و مقرب الخاقان قائم مقام عازم تبریز و
 امیر الامرا اعظم ام سردار کل بدربارهایون شاهنشاهی
 روانه شد است
 کرمانشاهان

۱۰۹۹

فوج کوران قلعه بخیری و سوار سخابی ابوالجمعی عالیجاه ^{خان} و فوج کردی ابوالجمعی عالیجاه حیاتقلی خان در دست چهارم که در سرحد آب مشغول مشق بوده اند در کمال نظم حرکت کرده و هیچ وجه از احدی خلاف قاعده ناشی و صادر نشده است پس صاحب که معلم افواج دارالدولت است و رعایت و اهتمام در تجلیل مشق آنها سعی نموده و درین اوقات مشق آنها بنهایت کمال رسیده است و جمیع حرکات و آداب نظام را بطوری فرا گرفته اند که عالیجاه پیش صاحب ریاده از حد مشق و نظم آنها راضی بوده است و هفت یک هفته روزنامه خرنی و کلی مشق افواج و نظم اردو را بنواب برادره عمادالدوله سرحد و اعرافین عرض میسوده و احکامی که لازم بوده است بایشان صادر میکرده اند و عالیجاهان اسدالله خان و ملک نیاز خان پسر حیاتقلیخان بسیار سعی در مشق و نظم کرده اند و از حسن سلوک و قاعده دانی عالیجاه پیش صاحب و مراقبت او از مشق افواج زیاده از حد عموم افواج و دیگرگان راضی بوده اند و باین جهت از اولیای دولت علیه احکام التفات نسبت بایشان صادر شد

طریق و شوارع دارالدولت که انشاالله که همه ارشاد است اسرار محل تسلیش بود خصوصا منازل قصر شیرین و قلعه سیر که تا امنی استجا در از منسابقه مشهور بود درین اوقات از حم اولیای دولت قاهره و حسن مراقبت و استقامت او آب مستطاب شاهزاده و الاتباع عمادالدوله سرحد و اعرافین بطوری منظم شده است که درین دو ساله دیناری از قوافل سرودین تلف نشده است و در کمال اطمینان کتب نفوذ و نفر

از آن منازل عبور و مرور نمایند و چندین دفعه اشتراری که از طوایف جاف و احمدوند در خاک دولت علیه عثمانی هستند و کار آنها قطع الطریق بوده است بر سر راه قوافل آمده اند و بواسطه جلالت و رشادت و مراقبت ساخلو مستحفظ استجا از فوج قلعه بخیری ابوالجمعی عالیجاه اسدالله خان مشاهده نمودند و لاوسکوبار گشته اند و عالیجاه اسدالله خان در نظم ساخلو و حفظ سرودین کمال اهتمام در زنده و از جمیع سرودین نوشته رضایان گرفته در برماهی دو بار بنزد نواب شاهزاده عمادالدوله

میفرستد

طوایف و شایر کرمانشاهان که همیشه از واسط عقب تابان محل سجالی بغداد و مندلیج بطف خواگی میروند امسال در کمال نظم بر اربع خود رفته و مراقبت کرده اند و هیچ وجه خلافی از آنها نیست بقیه خارج واقع نشده است و با اینکه اکثر آن طوایف با هم عداوت دارند و در مسیر که محل اجتماع آنهاست اکثر اوقات مفاسد می واقع می شود از استقامت نواب شاهزاده عمادالدوله بطوری حرکت نموده اند که از احدی با حدی عداوت قاعده صادر نشده است و لکن بواسطه کمی علف و سردی هوا کوسفند و حیوانات زیاد را را آنها بمرصه تلف در آمده است

و دیگر نوشته اند که از استقامت نواب شاهزاده عمادالدوله عالیجاه در امر زراعت و آبادی و بعل آوردن و دخت ابریشم که تازه در انولایت متداول شده سعی میباید و از قراریکه پارسال ابریشم بخارا سحر کرده اند تقدیر که بعل آمده بود خوب مانده ابریشم شست و بهتر از ابریزد و کاشان بود است چون غلات در آن صحیح است پس از آن است و چون نفع می کنایند و از آنکه عمل آمدن ابریشم نفع کلی بعبان اطلاق استجا باید

۱۱۰۰

کرمان

از قرار یک در ضمن تحریرات کرمان نوشته بوده تا فایز زوی از
 کرسی برآمده جمعی از طایفه زرگری ساکن فارس بر سر آنجا
 اموال آنها را برده بودند میرزا اسد الله واقف شده سوار فرستاد
 چهار نفر آنها را دستگیر نموده تمام اموال آنها را که سرقت کرده
 بودند گرفته آورده بصاحبش رسانده بودند و قبض الواصل آنها
 امیر امام غلام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان
 تر و اولیای دولت قاهره فرستاده بودند و اولیای دولت
 حکم کردند که سارقین را بدو بکلفه بیاورند

خراسان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند لوایب
 شاهزاده و اولا تا فریدون میرزا فرما نفرمای ملک خراسان
 برای رولت ساختن قشون به در روز میت و یک ماه حساب
 از ارض اوس بطرف ارق در بند حرکت نموده اند و یک فوج
 از افواج قشار را با عالیجا عسکر خان سرتیب برای فراد
 شهید نزد مقرب اسحاقان وزیر نظام در شهر گذاشته
 به مقبری اسحاقان علیقلی خان میرنجه و اسحاقان ایلیخانی را با فوج
 نصرت و یک فوج افشار و توپخانه و سواره برداشته و
 باقی در بند شریف بردند افواج فرامانی هم از همان وقت
 رفاق در بند میباشند منظور لوایب فرما نفرمای این است که در
 ارق در بند اجتماع قشون بشود که از اسحاقان معتد بهی با کرده
 مصبری با توپخانه و قورخانه و هزاره و اراد و غلره و از مردگان
 که از رهن این قشون معاندین مرد قلع و قمع و مضمحل شوند
 امیر حسین خان برادر مقرب اسحاقان اسحاقان ایلیخانی را توایب

حسام السلطنه بادولت فرستاده و وجه نقد برای سیاحت
 قشون مرد فرستاده بودند در یک منزلی نزد سواره فرما
 مجبور شده و دویست سوار آمده آنها را محاصره کرده بودند چهار
 روز محصور و بی آب و آذوقه مانده بودند از روز چهارم
 دولت سوار یک مرتبه یورش بسنگرهای آنها برده
 سنگرها را تصرف آنها گرفته و شکست فاحشی بانها داده
 پانزده نبره سوار آنها گرفتند که سرکارا بار خراش
 فرستاده بودند بجا در خان دره خیزی هم با قشون در
 مرو است بعد از آنکه محصور شدن امیر حسین خان را شنیدند
 با یک فوج و توپ با داد آنها حرکت کرده و قوی رسیدند
 که دولت فرستاده با کمال تهور و جلال جمعیت قریایی را
 شکست داده بودند مشا را لیه نیز با جمعیت و استعداد خود
 آنها را تعاقب و بقدر سیصد نفر از سوار قریایی مقتول و غیر
 یا صد نفر نیز زخمی شده و بقیه اسیر شدند و لاوسنگر با هزار
 کرده اند و از سواره امیر حسین هم شت نفر مقتول و هفت
 نفر مجروح شده اند از قرار یک نوشته اند عالیجا امیر حسین خان
 و سواره ابو اسحیح او درین جنگ نهایت شادان و جلال
 بعل آورده اند

فارس

از قرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بودند در ماه جماد
 یک فروند جهاز که شکر بار داشت از بطاویه با سه فروند کشتی دیگر
 که احسانس سجارتی بار داشت از مینس وارد بندر ابوشهر گردیدند
 بارهای خود را در بندر مزبور خالی نموده و بجای آنها اجناس
 باسب بطاویه از انجا با برگیری کرده روانه مینس شده اند که از
 انجا بطاویه برودند

۱۱۰۹

اخبار و ول خارجه

فرانسه سیاحتی که درین روزها بشهر لوان رفته بود در خصوص
 قورخانه و کشتی سازخانه دولت فرانسه در آن شهر بسیار تعریف
 خصوصاً در نظم و پاکیزگی قورخانه فرورده هزار نفر عمال درین وقت
 دارند که شب و روز کار می کنند که کشتیهای جنگی و ادویه و سایر
 ملزومات و دیگر کت جنگ و سفر را حاضر نمایند این ده هزار نفر عمال
 نصفشان مقصود لوان اند که بجهت سیرت یا تقصیرت دیگر حکم مجبوسی دارند
 و در عوض اینکه حبس باشند آنها را بملکی و کار و امید دارند بسیاری
 ازین مقصودین حکم حبس ای می دارند و بعضی نیز دوباره مقصود کرده و بحبس
 القا کرده اند مقصودین لباس سرخ دارند و لکن آنها که دوباره مقصود
 شده و حکم حبس دارند یک سینه قباای آنها زرد است کشتیها که
 در آنجا حاضر میگردند باین تفصیل بود یک کشتی صد و بیست و دو چار
 کشتی هر یک نود و دو توپ و دوی هر یک ششاد و چهار توپ و یک
 ششاد و دو توپ که همه جهت مقصودوسی عراده توپ درین کشتیها
 بسیار است اینولایت از امپراطور فرانسه خواست کرده است که اذن
 و دست و پنجه میان فرانک پول آنجا که تخمیناً پنجاه کرو پول ایران
 بشود و قرض نمایند امپراطور هم قبول کرده و اذن داده است
 و این پول را از تجارت پاریس و لندن و بعضی از شهرهای بزرگ کشت و غیره
 قرض خواهند کرد و از فرانسای صد تومان چار توپ صنعت
 درین اسیان پنج و در بعضی کمرسیرت ملک فرانسه کاشته اند خصوصاً
 نزدیک شهر برون و بسیار خوب بطن آمده است و سال بسال زیاد
 بطوریکه بکمان دارند که چند سال دیگر ملک فرانسه بجهت برنج و حبیب
 بمالک خارجه نشود و چونکه این برنج را در جانی می کارند که گندم در آنجا
 کاشته نمی شود و زراعت دیگر میگردند کاشتن برنج در آنجا صنعت

کلی بجهت اهل فرانسه خواهد کرد

در روزنامه فرانسه که مابقیه میماند نوشته اند که موسی و لاکورزان
 جانب امپراطور فرانسه مامور شده است که با یکی کرمی بملکت ناپولی برود

بلقب ایلیچی کبیر

حکمران مملکت سکس کو بوزنغ که یکی از مالک کوچک است بسیار
 پای تحت فرمانه بدین امپراطور فرانسه آمده بود و یکی از عمارات
 دیوانی پاریس را بجهت منزل اقمین کرده بود و توفیقیکه بمنزل فرود آمد

شد امپراطور فرانسه بدین او رفته بود

استریه

در روزنامه این ولایت نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور استریه
 بتاریخ ششم جمادی الآخر از پای تخت و بنه بیرون رفته بود که

بشهر مونیخ پای تخت بواریه برود

هم درین روزنامهها نوشته اند که دولت استریه بنا دارند که
 طیان فلان که تخمیناً بیست کرو پول ایران میباشد بجهت اخراج
 زیاد که درین روزها دارند قرض میکنند و منفعتی که میدهند از فرانسای

صد تومان چهار تومان است و بنا دارند که این پول را در مملکت
 خودشان قرض بکنند و تدارک قسوق زیاد میدهند به بست
 سرحد میفرستند و بنا بود در ششم جمادی الآخر اردوی آنها

تا ماهیتا و آماده باشد

اسپانول

در اقصای که درین مملکت است بعضی از قسوق پادشاه شهر
 عمل با عیان بودند و معلوم شده است که درین اوقات بنا
 که دولت اسپانول را برهم بزنند و دولت اسپانول و

پودتو قال هر دو در زیر حکومت یک پادشاه باشد بسیاری از
 خانیان این ولایت را با محسوس با اخراج بلد کرده اند از باغیان خیلی